

بسم الله الرحمن الرحيم

این قسمتی از شرح جامعه کبیره نوشته فاطمه پور شفیع است

زیرا شناخت جبت و طاغوت و شیاطین و منحرفین وظیفه هر مسلمانی است بخصوص در دنیای امروز با این شبهات و با این انحرافات اخلاقی پس دانستنش برای طلاب و نشر آن ثوابی است بر هر یک از شما. موفق باشید

وبرئت الى الله عزوجل من أعدائكم و من الجبت و الطاغوت و الشیاطین و حزبهم الظالمین لکم الجاهدین
لحقکم و المارقین من ولایتکم و الغاصبین لأرثکم الشاکین فیکم المنحرفین عنکم و من کلّ ولیجة دونکم و
کلّ مطاع سواکم و من الأئمة الذین یدعون الی النار

برئت = بیزاری جستن جبت = هر معبودی که پرستیده شود غیر از خدا طاغوت = هر متعدی و متجاوز از
حدّ شیاطین = مشتق از شطن به معنای تباعد یعنی دور از رحمت حزب = گروه جاحدین = منکر
مارقین = خارج از دین شاکین = مُردّد منحرفین = راه غلط رفتن ولیجة = اعتماد کردن بر اجنبی
مطاع = اطاعت کردن

معنای عبارت : بیزاری می جویم به سوی پروردگار از دشمنان شما و از جبت و طاغوت و شیاطین و اتباع آنان
که بر شما ظلم نمودند و منکر حقّ شما گشتند و از ولایت شما خارج شدند و ارث شما را غصب کردند و در
ولایت شما شکّ نمودند و منحرف گشتند و تبری می جوئیم از هر امام و پیشوائی غیر از شما و هر مطاعی
سوای شما و از امامانیکه مردم را به سوی آتش کشاندند . یکی از اصول اعتقادات شیعه تولّی و تبری است.
این دو لازم و ملزوم یکدیگر هستند . تولّی را قسمت قبل بیان کردیم ، حال تبری را بیان می کنیم: باید از
دشمنان اهل بیت نفرت داشته باشید و مقصود از دشمنان اهل بیت کسانی هستند که محبّت اهل بیت را دردل
ندارند بلکه با آنان عداوت می ورزند مثلاً طاقت شنیدن فضائل اهل بیت را ندارند و آنان را انکار می کنند و بر
خود روا دانستند که در طول یک قرن در منابر خود سبّ بر علی(ع) بگویند.

کسی که دشمنان حق را دوست بدارد حق را دوست ندارد و کسی که حق را دوست ندارد مؤمن به خدا نیست و چنین کسی کافر است. پس دوست داشتن اعداء اهل بیت دوست داشتن کفر است و صاحب آن کافر است. از قول رسول الله (ص) از جابر بن عبدالله انصاری نقل می گردد: جابر می گوید حضرت برای ما خطبه خواند و فرمود: ای مردم هرکس دشمن بدارد ما اهل بیت را خداوند او را یهودی مبعوث می گرداند فردای قیامت ، جابر عرض کرد یا رسول الله (ص) اگر چه روزه بگیرد و نماز بخواند و گمان کند مسلمان است . حضرت فرمودند: اگر چه نماز بخواند و روزه بگیرد و گمان کند مسلمان است.

کسی که اهل بیت را دوست دارد باید از جبت و طاغوت متنفر و بیزار باشد. شاید مراد از جبت و طاغوت اسامی اشخاصی باشد که از نظر تقیّه تصریح به نام آنان نشده است. ولی آنان جزء غاصبان ولایت کسی دیگری نیستند. ما دو حزب داریم حزب الله و حزب شیطان ، کسانی که تابع خدا و اهل بیت هستند و آنان را دوست دارند حزب الله اند و آنانی که تابع شیطان و شیطان صفتند حزب شیطانند که حق را زیر پا گذاشتند و راهشان باطل بود. پس از ستمکاران و ظالمین هستند.

الجاهدین لحقکم: مقصود از ولایت هر کس است که ولایت اهل بیت را قبول ندارد و می گوید تعیین خلیفه رسول با مردم است نه با خدا و رسول ، در این صورت تمام کسانی که خلافت خلفاء غاصب را حق می دانند و برای اهل بیت مقام خلافت الهی قائل نیستند از هر صنف و گروهی که باشند داخل در منکرین هستند. و به عبارت دیگر هفتاد و دوفرقه از مسلمین منکر ولایت اند و یک فرقه که شیعه اثنی عشری است داخل در ولایت اند حتی اگر کسی یکی از دوازده امام را منکر باشد جزء منکرین ولایت است خواه کیسانی (قائلین به امامت پسر سوّم امام علی (ع) معروف به محمد بن حنیفیه که معتقد بودند او امام چهارم است و همان مهدی موعود

است که ظهور می کند) و یا زیدیه و اسماعیلیه که از اسلام خارج اند . پس منکر ولایت ائمه منکر ولایت رسول خدا و منکر ولایت خدا است.

تبری جستن از مارقین: کسانی که از دین خارج شدند. اصحاب نهر وان که حضرت رسول خدا از آنان خبر داده بود و این لفظ مارقین را بر آنها اطلاق فرمود. در احادیث بسیاری از عامه و خاصه نقل شده است که رسول خدا به امیرالمؤمنین فرمود یا علی زود است که تو بعد از من با قاسطین و مارقین و ناکثین جنگ کنی. و تفسیر این الفاظ را چنین فرمودند: قاسطین اصحاب معاویه و ناکثین اصحاب جمل و مارقین اصحاب نهروان (خوارج) هستند. مارق به معنای خارج شونده است و ممکن است مراد از مارقین کسانی باشد که بعد از رسول خدا خودسر عمل می کنند و فرمان حضرت را نادیده گرفته و بدعتها گذاشتند و ظواهر قرآن را به دلخواه خود تفسیر کردند و بر سر دین آمد آنچه که نباید بیاید.

غاصبین: گرفتن چیزی از دیگری قهراً و ظلماً هرچه باشد. و در شرع اسلام به معنای تصرف در حق دیگری است بدون رضایت حق بر اساس ظلم و تعدی. والغاصبین لأرثکم؛ یعنی تبری می جویم از کسانی که ارث شما را غصب کردند: برآستی غاصبین چه کسانی هستند؟

اوّل اینکه مالی را که از رسول خدا شرعاً به وارث منحصر به فرد او یعنی دخترش فاطمه (س) رسید به غصب ریبوده شد. و آن فدک بود. فدک به امر خدا در زمان حضرت رسول (ص) به حضرت فاطمه (س) بخشیده شد "وأت ذالقربی" .. حضرت از جبرائیل پرسید مقصود کیست؟ و او عرض کرد: ذوی القربی فاطمه (س) است و اکثر مفسرین عامه و جمیع مفسرین خاصه به این موضوع اقرار دارند. و یا حق ولایت است که با اشارات و تکرار حضرت رسول (ص) بر ولایت علی (ع)؛ خلافت توسط غاصبین ولایت (خلفا) غصب شد. پس

دو غصب انجام شد یکی غصب اموال شخصی رسول خدا و دوّم غصب مال شخصی فاطمه (س) غصب فدک و دیگری غصب خلافت. امیرالمومنین در خطبه شقشقیه می گوید: پسر ابو قحافه پیراهن خلافت را بر تن پوشید در صورتی که او می دانست این پیراهن بر قامت او دو خته نشده و متعلق به من است زیرا مکانت و منزلت من در خلافت اسلامی بعد از رسول خدا مانند موقعیت و مکانت قطب از آسیا است.....

تبری از شاکین در امامت: یعنی کسانی که در امامت معصومین شک دارند. اگر کسی ظن و یا گمان به ولایت پیدا کند یعنی پنجاه درصد احتمال امامت و پنجاه درصد احتمال عدم امامت باشد چنین کسی در حکم منکر است و باید از او تبری جست. باید دانست که انکار یکی از ائمه انکار همه آنهاست. پس شاک در ولایت علی (ع) و فرزندانش به صریح روایات کافر است.

تبری جستن از منحرفین:

بایجاد اسلام هراسی در کشورها بدنبال عدم جذب شدن افراد بیشتری به این مذهب و همچنین با ایجاد گروههای وحشی و نادان بعنوان گروههای اسلامی که در کشورها ی بویژه اسلامی نضج می گیرند چون القاعده و تکفیریهها و اینک داعشی ها، شنیع ترین جنایت ها را مرتکب می شوند، بدنبال دل سرد کردن مسلمانان از مسلمانی خویشند تا از جاده مستقیم به راه خلاف بروند وجود خرافه گرایی و شیطان پرستی و آیین های عرفانی منحرف که در کابالا و تلمود آمده است و همچنین ایجاد دین بی بنیان «مسیحیت جدید» که از قرن پانزدهم شکل گرفته و همچنین ایجاد تثلیث در آن از معدود انحرافات است که در این ادیان ایجاد کرده اند. به عنوان مثال امروز بیان میدارند موسسه ای در آمریکا که در باره آخرالزمان و موعود تحقیق مینماید توانسته است (مدعی هستند) اطلاعاتی ذیقیمت از حضرت موعود و حتی مکان احتمالی ظهور ایشان نیز مطلع باشد .

اما نکته جالب و تاسف برانگیز اینهمه تلاش آن است که علت این تحقیقات پیدا کردن راه مبارزه و یا به تاخیر انداختن این اتفاق است و نه ادراک آن و پیوستن به این کشتی نجات، چه بدنبال شناخت نیستند و هدفشان انحراف است و تبدیل انسانها به سرگشتگانی در ساحل که فریب سراب می خورند و ذهنشان ناپینای به حقیقت و ناشنوای به شرع مبین و دین متین است، و زنگار بر دلها نشانده اند . اما داستان اصلی نیز قبل از تولد آخرین فرستاده آغاز میگردد. جایکه عده ای از یهودیان که خود فریب خورده ملحدان بودند به عربستان می آیند، چرا که بنا بر بررسی های انجام شده می دانند شخصی در این حوالی متولد می گردد که او آخرین رسول الهی است. ابتدا تمام تلاش خویش را صرف آن می کنند تا زنی بی عفت را از قوم خود(به بهانه آنکه ثروت فراوان دارد و میتواند مال التجاره مناسبی به عبدا.. دهد) به عقد عبدا... پدر پیامبر دریاورند اما عبدالمطلب مانع اینکار میشود و آمنه را به عقد عبدا... درمی آورد. یهودیان که نتوانسته بودند تا آخرین پیامبر را از نسب خویش گردانند تا بتوانند در آن دین نیز انحرافات فراوان ایجاد کنند، تنها چاره را در کشتن عبدا.. دانستند و در یک سفر تجاری او را به شهادت رسانند ، اما خداوند خود می داند که چگونه نقشه های ایشان را بر باد دهد ، چرا که در آن زمان نطفه آخرین پیامبر شکل گرفته بود.

محمد(ص) به دنیا می آید و در چهل سالگی به پیامبری برگزیده میشود و حالا دوباره کار یهودیان آغاز میگردد. با وارد نمودن نسبت های ناروا به پیامبر وهمچنین کارکردن بروی اشراف مکه و مدینه آنچنان عرصه را بر پیامبر و یارانش تنگ میکنند که مسلمانان را در شعب ابی طالب به محاصره در می آورند و در آنجا پیامبر بهترین حامیان خویش یعنی خدیجه و ابوطالب را از دست میدهد.

اما این پایان راه اسلام نبود و با رخداد های فراوان اسلام به رهبری پیامبر حکومت را در عربستان از آن خویش میکنند.در زمان حکومت پیامبر نیز یهودان در قلعه خیبر مستقر بودند و با پیامبر عهد نامه ای را امضا کردند تا

مزاحم حکومت اسلامی نبوده و به کار خویش مشغول باشند . با این وجود دائماً به دنبال سنگ اندازی در مسیر اسلام بودند و بر شیوه عهد شکنی که حتی با پیامبر خویش داشته اند ادامه می دهند تا پیامبر(ص) هم پس از دادن اولتیماتومی سعی در جهاد با آنان می کند.

یهودیان در قلعه سازی و همچنین تعبیه امکانات در قلعه تا چند سال برای حفاظت از خویش بی نظیر بودند توانستند در قلعه خیبر بنایی نفوذ ناپذیر ایجاد کنند که تنها راه ورود به آن شکستن درب سنگین آن بود که علی (ع) این وظیفه را برعهده گرفت و این مهم را به انجام رساند و درب قلعه تزویر از میان کنده شد و یهودیان به ناچار به تسلیم در آمدند . وهمچنان شیعه به این واقعه می نگرد که کاش جز علی بود شخصی که توان انجام این مهم را داشته باشد تا سالیان بعد به این بهانه درب خانه اش را نامردان جور نشکنند و به آتش نکشند و میان در و دیوار بزرگ بانوی آسمانها را قرار ندهند . که همانا مادر دوقسم دارد ... ما ... در ... وقصه یتیمی ما(شیعه) از کنار آن در آغاز شد.

پیامبر از دنیا میرود. رسول خدا جانشینش را پیش از این برگزیده بود؛ در غدیر خم و آن واقعه بزرگ.

اینک کار اصلی ملحدان یهودی نما(انجمن های صهیونی) آغاز میشود . همانان که تاکنون از پیامبر و علی ضربات جبران ناپذیری خورده بودند تنها راه را ایجاد تفرقه در اسلام و همچنین به حکومت رسیدن کسانی دانستند که اسلام را به انحراف کشانند. وجود علی و حکومت او سد راه برنامه های آنان بود و بهمین خاطر با استفاده از کم خردان تاریخ اسلام توانستند این مسیر را به انحراف بکشانند . آنها می دانستند که حکومت بر حق بعد از پیامبر، شیعه است و اسلام می بایست توسط علی و اولاد خاصه و تعیین شده اش رهبری گردد و

در این مسیر امکان بروز انحراف و خللی وجود ندارد.

البته راه خطا پایه ریزی گردید و همواره در طول تاریخ سعی شد تا این راه نادرست به عنوان درست ترین مسیر در اسلام مطرح گردد و بر این کار نیز تلاش های وافری صورت گرفت . این کارها توسط انجمن های صهیون که یهود و مسیحیت را نیز به انحراف کشیدند صورت میپذیرد و مردم ساده اهل سنت نیز خود فریب خورده این جریان منحوس گردیده اند . جالب توجه آن است که بسیاری از اهل سنت در رفتار از شیعه ، شیعه ترند اما در برخی موضوعات اختلاف نظر دارند که میطلبد با مطالعه منابع درست تاریخ به حقیقت شیعه مدرک گردند.

پس تنها راه، تعیین جانشینی برای پیامبر غیر از حضرت علی(ع) بود. آنها به بهانه اینکه در غدیر خم پیامبر

گفته هرکس من مولای اویم علی مولای اوست ، و مولا بمعنی دوست داشتن است ، پس معنی حکومت

نمیدهد ، بذر نفاق را در میان مسلمانان افکندند و واژه ای را تبدیل به چالش کردند که خود بعدها از آن برای

ادامه حکومت افراد مورد نظرشان بهره بردند.

در صحیح بخاری آمده در زمانیکه ابوبکر روزهای آخر عمر خویش را سپری مینموده است ، عمر به او وارد

میشود و میگوید : آیا برای پس از خود جهت امت مولا برگزیده ای؟ حال مقایسه کنید که معنای "مولا" اینجا

چگونه میتواند با همین کلام آنهم از لسان آخرین پیامبر متفاوت باشد؟

در هنگام رحلت حضرت رسول(ص) و در هنگام تشییع آن پیکر پاک توسط علی(ع) و عده ای از اصحاب ،

عمر با برنامه ریزی قبلی و با استفاده از زور و ارباب نگذاشت تا زمانیکه ابوبکر وارد مدینه گردد ، کسی بر

تختگاه خلافت بنشیند. (آنچه بیان میشود از تاریخ های مستند مورد قبول شیعه و اهل سنت میباشد.) ابوبکر

خلیفه پس از پیامبر میگردد و این امر باعث نارضایتی اصحاب واقعی پیامبر می شود که به گوش و چشم

خویش دیده بودند که پیامبر(ص)، علی(ع) را بعنوان جانشین خود معرفی کرده است .

علی(ع) و اصحابش به ناچار و به جهت حفظ اسلام سکوت میکنند و دوره نابسامانی و انحراف از راه می رسد

. البته وجود علی(ع) و یارانش کمی افسار کجرویهای ابوبکر و عمر را می کشد تا آنجا که در برخی امور از

علی(ع) استفتاء گرفته میشود .

البته از لحاظ توسعه ممالک اسلامی نتیجه چشمگیری در زمان عمر مشاهده می شود اما در جهت انحراف

درون دین نیز بالعکس نتایج نامطلوبی از جمله جعل فراوان احادیث و سنت پیامبر(ص) صورت میپذیرد.

حاکمان اسلامی تعیین شده برای نقاط مختلف ، اغلب ظواهر اسلامی را رعایت میکنند و عمدتاً به خوشگذرانی

و جمع آوری ثروت پرداخته و روش پیامبر را در مورد رفتار با مردم نمی پسندند.

در جایی از معاویه که خلیفه منسوب شده از طرف عمر برای سرزمین شام است آمده : اسلام را برای آن

پذیرفتم که مرا بحکومت و ثروت رسانید و گرنه هیچ گاه کاری با او نداشته ام.

عمر نیز جمله ای مشابه را بیان میدارد که اگر غیر از آن بود ، به خانه دختر پیامبر اسلام چنان تعرض آشکار و

بیرحمانه ای نداشت. این گروه که متأسفانه امروزه نیز تعداد بیشتری از جهان اسلام را بخود اختصاص داده اند

راه را به خطا و اشتباه رفتند و حاکمانشان دانسته و ندانسته اسیر بازیهای پنهان ملحدان شدند . اینان قرآن

مکتوب را بسیار محترم میدارند و به پیامبر (البته به شکلی که بزرگانشان برایشان تفسیر کرده اند) احترام وافر

می گذارند لیک به اهل بیتش و بسیاری از سنن پیامبر که در حدیث ثقلین این دو (قرآن و عترت) از هم جدا

نبوده و شخص پیامبر(ص) رستگاری مومنین را مادامی تضمین کرده که به هر دو اینها تمسک جسته شود،

کاری ندارند.

آیا بجز معصوم ، کسی را یارای درک کامل قرآن و زوایای پنهانش که موجبات رستگاری انسانها را فراهم می سازد، خواهد بود. این گروه فریب خورده ، آنچنان در غفلت خویش بودند که قرآنهاى حى و ناطق را به شهادت رساندند و همواره جز به بدگویی آنها سخن نراندند.

در زمان حکومت علی(ع) نیز ملحدان بیکار ننشسته و بدنبال منحرف کردن دین ، گروههای مخالفی از جمله خوارج و جملیان را بوجود آوردند و در تاریخ پنهان نیست که این دو گروه در واقع پس از علی(ع) واصحاب خاصه او ، از جمله بزرگان و متدینین مسلمان بودند که در عین تدین ، بی بصیرتی محضشان ایشان را به نابودی مطلق در دنیا و آخرت رهنمون ساخت.

اما بهر حال شیعه نیز بیکار نبوده و با بسط و انتشار اسلام واقعی سعی در اطلاع رسانی درست بین مردم کرده است ، هرچند که همواره مورد تعدی و ظلم حاکمان قرار گرفته است اما بالاخره توانستند نیروهای مضممی در این میان جمع آوری نمایند . در اینجا نیز ملحدان دست بکار شده و شروع به ایجاد گروههای شیعه انحرافی نمودند .

از جمله این گروهها «قرامطه» بودند که عنوان میکردند چون ما به دین آخر مومن شده ایم و درجه کمال را دریافتیم هر کاری بر ما حلال بوده و هیچ محدودیتی برای ما وجود ندارد . این گروه که از جمله گروههای منحرف تاریخ نیز میباشد طرفداران زیادی جمع آوری نمود و حتی تا نیمی از دوران حکومت عباسیان بدنبال رسیدن به حکومت بوده اند که همواره سرکوب گردیده و از میان رفتند.

اما گروههای زیدیه و اسماعیلیه که به ترتیب پس از کشته شدن زید فرزند امام چهارم و اسماعیل فرزند امام ششم شیعیان تشکیل گردید نیز تنها هدف شکل گیریشان ایجاد انحراف در مسیر شیعه بوده است و اینکه موضوع امامان پس از آنها و رسیدن موعود از ذهن ها رخت بندد ، توسط جریانهای انحرافی و انجمن های

مخفی صهیون شکل داده شدند.

در باب گروه اسماعیلیه که تا امروز نیز ریشه های آن در میان مسلمانان و افکارشان در بین برخی گروههای منحرف شیعه نیز موجود است باید گفت که گروه صباحیون به رهبری حسن صباح که بزرگترین و مخوفترین گروه منحرف جهان را تا به امروز داشته است از زیر شاخه های آن جریان محسوب میشود.

یکی از مسائل جالبی که در تاریخ وجود دارد این است که فراماسونرها نیز شیوه های گروهی خویش را از صباحیون و در جنگ های صلیبی و آشنا شدن با افکار آنها اخذ نموده اند .

البته در ادامه این سلسله انحرافات شکل گیری بهائیت نیز حرف تازه ای است. بهائیت صرفاً برای این شکل گرفت تا ذهن شیعه از آمدن آخرین امام منحرف شود و فردی منحرف خود را ابتدا امام و سپس خدا بخواند . «سیدعلی محمد باب» به دستور "امیرکبیر" کشته شد و به همین دلیل نیز امیر کبیر را در حمام فین کاشان شهید کردند و آنچه که گفته میشود کینه حرم شاه با امیر باعث شهادت او گردید تنها به جهت انحراف ذهن خواننده است.

این مسیر پر التهاب شیعه و اسلام است و زهی سعادت که با اینهمه ایجاد رخنه و انحراف هنوز شیعه واقعی بدور از تمام خرافات بر پای خویش ایستاده است و پرچم یاحسینش در دست تا روزی به موعود خویش بسپارد.

با ظهور حضرت حجت که دیگر میتوان گفت بر هیچ کس در جهان وقوع آن پوشیده نیست بجز ذهن های بیمار و افکار متعصب کور، وعده خداوند تحقق می یابد و حکومت از آن شیعه می شود تا انتقام خون فاطمه(س) و حسین(ع) و تمام نیک اندیشان خدا جوی از ملحدان و شیطان پرستان باز خواست گردد.

آنچه دنیای کفر می اندیشد هراس از رخدادن این اتفاق بزرگ است و به واقع ایشان بدنبال به تعویق انداختن

آن و یا کاهش طرفداران این مذهب بر حقدند . با ایجاد اسلام هراسی در کشورها بدنبال عدم جذب شدن افراد بیشتری به این مذهب و همچنین با ایجاد گروههای وحشی و نادان بعنوان گروههای اسلامی که در کشورها ی بویژه اسلامی نضج می گیرند چون القاعده و تکفیریها و اینک داعشی ها، شنیع ترین جنایت ها را مرتکب می شوند، بدنبال دل سرد کردن مسلمانان از مسلمانی خویشند.

آری این چنین گروهها نیز از همان اندیشه و جریان منحرف کردن دین که از صدر اسلام آغاز گردید ، نشات میگیرند و ساده انگاری خواهد بود که شکل گیری چنین گروههایی را تنها از روی پدیده هایی خودجوش و توسط عده ای ابله پنداریم.

تمام کفر اینک میداند تنها مکتب مزاحم و اندیشه مخالف با برنامه ریزی و هدف شکل گیری جهانی با قطب شیطان، اسلام و بویژه شیعه است . مگر نه آنکه یهودیان که خود در ربا و جادوگری غرقه گشته و مسیحیانی که از دین جز پوستی بی تحرک را نمپیرستند و کتابهایی که به جهت انحراف تنها منجر به پوچی گرایی انسانها میشود ، همان راهی را طی نمیکنند که آنها می خواهند ، آری چرا که ایشان مولد این ادیان هستند و دین خدا توسط یاران سست عنصر این ادیان به دست فراموشی سپرده شده است تا نیچه بگوید خدا مرده است. اما خداوند خود می داند که با آخرین دینش و ادامه آن مکتب توسط دوازده نور از نسل آخرین فرستاده خویش پشت تمام این شیطان پرستان را به خاک خواهد مالید و با ظهور منجی و موعود ، جهان دوباره رنگ محض خدایی می گیرد.

ناپلئون میگوید برای یک میتینگ سیاسی باید چندین روز فراخوان بدھیم واعلام کنیم تا چندین نفر حاضر شوند اما امان از شیعه که با نصب پرچمی سیاه ممکن است هزاران نفر بیایند و تجمعی عظیم حادث شود. هنوز داغ حسین(ع) برای شیعه تازه است. گویا عاشورای هر سال تنها یکسال پس از عاشورای دهم هجری

است و غوغایی بپا می شود که ما منتظر منتقم خون فاطمه(س) و حسین(ع) هستیم.

حضرت ظهور میکند هنگامی که دنیا در جور و ظلم غوطه ور شود و آیا جور و ظلم بیشتر از این نیز خواهد بود؟ پس چرا حضرت نمی آیند. در جایی عنوان گردیده که از مقدمات ظهور حجت خواست قلبی شیعیان و دعاهای مستمر ایشان در جهت ظهور است. تمام هجمه های غرب کفر بدنبال تضعیف فکری جوانان شیعه است نسبت به ظهور امامشان و با انتقاد کردن از این اتفاق بظاهر غیر علمی و از طرفی با نشان دادن چهره نادرست و ترسناک از اسلام می خواهند تا در این زمینه موفقیت هایی کسب نمایند که البته و متأسفانه مقداری نیز موفق بوده اند. با گذری در کف خیابانهای ایران شیعی و بررسی افکار جوانان متوجه میگردیدم که برخی از ایشان هم آوا با این هجمه ها گردیده و با دیده شک به این ظهور می نگرند. در این جا نیز میتوان گفت که انجام کارهای فرهنگی و آشنایی بیشتر این جوانان از طرق روشهای جوان پسندانه از طرف حکومت شیعی وظیفه مهمی است. آن زمان که مقام معظم رهبری از هجوم فرهنگی غرب ابراز نگرانی میکردند میتوان گفت که امروز را می دیدند. رهبری میدانستند که هجوم ذکر شده تنها بجهت ایجاد مدل های مو و لباس و مد های غربی در ایران نبود و بارها و بویژه در بحث علوم انسانی تذکر دادند که آقایان متولیان و مجریان دقت کنند اینان به اصل دین و مهدویت حمله ور شده اند.

باید به هوش باشیم نکند موعود بیاید و حادثه مسلم بن عقیل در کوچه های نفرین شده کوفه تکرار گردد. نکند که بیاید و همدم او نیز چاه های تار شبهای زمین باشد. نکند او بیاد و باز هم چون علی(ع) افسوس خورد بر جهل مردم زمانه که گوهری چون او در میانشان باشد و حتی او را تکفیر کنند. فعالیت یهود و تابعین او در جهت دور کردن مردم مسلمان از علماء و نیز دور کردن آنان از رهبری ولی فقیه است پس هدف آنان جهل مردم است تا کشورهای اسلامی به ذلت و بیچارگی بسر برند و دست آنان به سوی کفار دراز گردد چه از نظر

اقتصاد و چه از نظر علوم روز و صنعت و غیره... و این بدبختی ها معلول اختلافات و انحراف مسلمین از قرآن و اهل بیت است . پس با این فعالیت های انحرافی و سعی در تشکیلات انحرافی وحدت کلمه معنای خود را از دست می دهد و این هدف جامعه یهود و مسیحیت است . ولی جوانان باید هوشیار باشند و لباس خوف و حزن بپوشند و دین خود را همواره حفظ کنند و از تبلیغات انحرافی خود را دور نگهدارند و منتظر ظهور منجی باشند که این وعده الهی است.

تبری جستن از ولیجه:

تبری جستن از هر و لیجه (هر چیزی که داخل کنی او را در چیزی که از آن نیست) غیر از اهل بیت. " ولم يتخذوا من دون الله ولا رسوله ولا المؤمنين وليجه - توبه ۱۶) تکیه گاه انسان در دین باید اهل بیت باشد و هر کس را غیر از آنها مورد اعتماد قرار دهی غلط و نابجا است. اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم (نساء ۵۹) اهل سنت اولی الامر بعد از پیامبر را خلفا می دانند حتی پادشاهان و سلاطین را که زمام امور را در دست می گرفتند اولی الامر می دانند. و بر این اساس بود که ابن تیمیّه و امثال او قیام امام حسین (ع) را در مقابل یزید محکوم می کنند و می گویند باید امام حسین اطاعت اولی الامر می نمود و چون اطاعت نکرده است پس عند الله مسئول است . ابن تیمیّه صریحاً می گوید حسین بن علی در قیام خود مقصر است و علاوه بر آن ؛ اجر و مزدی ندارد و مسئول هم هست . بر همین اساس حکومت حکام و زمامداران بنی امیه و بنی عباس را مشروع می دانند و روش مخالفین حکومت را محکوم می نمایند. اما در مذهب شیعه مراد از اولی الامر کسی است که از طریق رسول به امر خدا معرفی شده باشد . اولی الامر در آیه اطاعت در ردیف اطاعت از خدا و رسول ذکر شده است. و اگر غیر از این باشد لازم می آید که اطاعت ظالم و فاسق و کافر بر مردم واجب باشد و کسی که چنین نسبتی را به خدا متعال نسبت دهد قطعاً دین ندارد . پس مطاع بعد از رسول از طرف خدا علی (ع) و

فرزندان ایشان است (اوصیاء) تبری جستن از هر که غیر از شماست و کل مطاع سواکم - که عدد شما به دوازده نفر می رسد.

من الأئمة الذین یدعون الی النار :

تبری جستن از امامان گمراه؛ که مردم را به سوی آتش می شکانند.

تحلیل تاریخی بر پائی سقیفه

زندگانی پیغمبر پس از بعثت و از روزی که در خانه ابوطالب ، بستگان خود را گرد آورد و رسالت خویش را اعلام فرمود تا روز واپسین مرگ خویش سرشار از نصوص و تصریحات الهی بود.

پیغمبر(ص) در حال احتضار در دهه آخر صفر سال ۱۱ هجری در بستر بیماری در کنار جمعیت کثیری از اصحاب ، فرمود: من بزودی از کنار شما می روم و کتاب خدا و اهل بیتم را در میان شما باقی می گذارم و سپس دست علی(ع) را بلند کرد و فرمود: این علی با قرآن است و قرآن با علی است ، این دو از هم جدا نمی شوند تا بر حوض کوثر بر من گرد آیند.

ایشان در حال بیماری اُسامه فرزند زید -آزاد شده پیامبر(ص) - را که در آن زمان هجده ساله بود به امیری لشگری گماشت که برود به سمت شام و با نصاری روم شرقی بجنگد. دستور فرمود در آن لشکر ، ابوبکر و عمر و ابو عبیده جراح و سعد بن عباده و دیگر سران صحابه از مهاجر و انصار شرکت کنند و تأکید فرمود:

« لعن الله من تخلف عن جيش أسامة» یعنی خدای لعنت کند هر کس را که از لشکر اسامه تخلف کند.(شرح نهج

البلاغه ابن ابی الحدید ۶/ ۵۲) پس از آن حال پیامبر(ص) در اثر بیماری سنگین شد به لشکر اُسامه که در بیرون

مدینه بود خبر دادند آنها که می خواستند در امر خلافت دخالت کنند و اوضاع را به نفع خود قلم بزنند به مدینه باز گشتند .

صبح روز دوشنبه دور پیامبر(ص) جمع شدند «اتونی بداوۀ و قرطاس اکتب لکم کتاب لن تضلّوا بعده ابدًا» قلم و کاغذ بیاورید تا وصیت کنم که بعد از من هرگز گمراه نشوید. عمر گفت: «انّ النّبی غلبه الوجع و عندکم کتاب الله ؛ حسبنا کتاب الله» (صحیح بخاری ، باب کتابه العلم من کتاب العلم ۱/۲۲- ر.ک. سقیفه - دشتی ، مهدی ، مجموعه آثار علمه عسکری چاپ ، ۶ ، ۱۳۸۹ و مسند احمد حنبل - طبقات ابن سعد ۲/۲۴۴)

یعنی بیماری بر پیامبر (ص) غلبه کرده است کنایه از اینکه نمی داند چه می گوید. و نزد شما کتاب خدا هست و کتاب خدا ما را بس است.(آسمان خون می گرید صحابی رسول گرامی اسلام (ص) در حضور حضرت نسبت ناروا به ایشان می زند این جسارت به ذات پاک و اقدس ایشان قابل تحمل در هیچ زمانی نیست).

و اختلاف در میان حاضرین در گرفت ، بعضی می خواستند کاغذ و دوات بیاورند و بعضی دیگر..... .

ناگهان پیامبر فرمود: قوموا عنی لاینبغی عند تنازع. یعنی از نزد من برخیزید که در محضر پیامبر(ص) نزاع کردن شایسته نیست.(تاریخ ابی الفداء ۱/۱۵۱- صحیح بخاری باب کتابه العلم ۱/۲۲- ر.ک.همان)

آثار اجتماعی سقیفه

آثار شوم اجتماعی سقیفه در عرصه جوامع اسلامی در تمام قرون ، عبارتند از:

- ۱- در اثر اجتماع در سقیفه شریعت اسلام بعد از پیامبر(ص) دگرگون شد.(کمرنگی دین نزد مردم)
- ۲- در اثر سقیفه در خانه فاطمه زهرا(س) را آتش زدند و شد آنچه که نباید شود.(بی توجهی به ولایت و امامت)

۳- در اثر تجمع در سقیفه شمشیر ابن ملجم بر فرق مولای متقیان، (ترویج ناصحیح آزادی در بی بند باری امور زندگی - حرام خدا را حلال کردن و حلال خدا را حرام کردن) فرود آمد شمشیری که تیزی کینه و حسادت و حرص و نادانی و برتری جویی بود. شمشیری که کینه معاویه را در انتقامجویی خلاصه می کرد، کینه ای (المناب خوارزمی ص ۲۳۴) که در گردهمایی بزرگان در روز بیست و ششم از جنگ صفین در وجود او جوشید وقتی تعریف از شجاعت اشتر و علی (ع) شد و برای آرام کردن جو موجود معاویه گفت: ای ولید در جنگ بدر، علی پدر و عموی تو را کشت و هیچ یک از ما نیست جز آنکه علی پدر یا برادر یا فرزندش را کشته است. اگر همه بر او هجوم آورید انتقام خود را از او خواهید گرفت و دل‌هایتان تسلی خواهد یافت.

۴- در اثر سقیفه امامان شیعه یکی بعد از دیگری با مکر و حيله های گوناگون بنی امیه و امویان و بنی عباس و غیره... به شهادت رسیدند تا حقانیت آنان ماندگار نشود. ولی حسین (ع) در کربلا سیلی محکمی در گوش جهان‌خواران خواباند و چهره خونخوار آنان را در ذلت و پستی و خواری با حضور خانواده در صحنه جهاد برملا ساخت و فداکاریهای یک زن شجاع را بنام زینب کبری (س) در تاریخ اسلام در مبارزه با ظلم و ستم در صحنه نمایش تاریخ قرارداد.

۵- در اثر سقیفه مسیر تاریخ بشریت دگرگون شد - قدرت - فرماندهی - حاکمیت - تهاجم فرهنگی - دور کردن مردم از عقاید پاک خود - ایجاد شبه های اعتقادی و اخلاقی و تاریخی - بدبین کردن مردم نسبت به یکدیگر و حکومت‌های بر حق - حمایت از گروه‌های تکفیری و جنایتکار نظیر القاعده - النصر - الداعش و غیره... تشکیل حکومت‌های زور و جور - تشکیل باند های تروریستی برای رسیدن به اهداف ناپاک - تمام اینها فرمولش مطابق عقیده اجتهاد بر نص خلفا ثلاث می باشد که تا ظهور حضرت مهدی (ع) ادامه دارد. اما امروز همه عاشقان امام علی (ع) و فرزندان پاک ایشان آرزومندند که با ظهور حضرت مهدی بقیه الله ارواحنا فداه (ع) ماهیت سقیفه برملا

گردد و انتقام اجداد طاهربینش از بانیان و گردانندگان آن اجتماع سقیفه تا ظلم کنونی و ستم جاری توسط گروهکهای انحرافی، گرفته شود انشاءالله.

در خطبه سوم نهج البلاغه فیض الاسلام ص ۴۷) از زبان حضرت علی(ع): ابوبکر در زمان حیاتش خلافت را اقاله می کرد (یعنی خودش را از خلافت کنار می کشید و می گفت: مرا رها کنید که با وجود علی من کسی نیستم) پس از مرگش این منصب را برای دیگری (عمر) تهیه می دید و آن را مانند دو پستان شتر میان خود تقسیم نمودند. و این دومین موردی بود که ابوبکر و پیروانش در مقابل نص صریح، اجتهاد کردند. به واقع تمسک به حدیث ثقلین " آن دو چیز گرانبها (کتاب الله و عترتی) که پیامبر(ص) از خود بر جای گذاشت این حقیقت چندین بار در موارد فراوان و گوناگون توسط پیامبر(ص) بازگو گردید: روز غدیر - روز عرفه - حجة الوداع - هنگام بازگشت از طائف - در منبر مدینه هنگام سخنرانی و دفعه دیگر در خانه خویش هنگام بیماری، بعد از تکرار حدیث ثقلین توسط پیامبر(ص) - تشبیهات حضرت رسول (ص) از اهل بیت خود بطور مکرر (مثل اهل بیت من در میان شما مثل کشتی نوح است کسی که بر آن در آمد، نجات یابد. و آن کس که تخلف ورزید عقب ماند و غرق گردد" الا ان مثل اهل بیتی فیکم مثل سفینه نوح من رکبها نجا و من تخلف عنها غرق" - و نیز می فرماید: ستارگان موجب امنیت اهل زمین از غرق هستند و اهل بیت من موجب امنیت امت از اختلاف در دین. بنابراین اگر قبیله ای از عرب با آنها به مخالفت پردازد در احکام خدا، اختلاف انداخته اند و خود حزب ابلیس خواهند بود." النجوم امان لاهل الارض من الغرق و اهل بیتی امان لأمتی من الاختلاف (فی الدین) فاذا خالفتها قبیله من العرب (یعنی فی احکام الله) اختلفوا فصاروا حزب ابلیس.)، همه اینها شاهد بر ادامه خلافت و امامت وصی پیامبر است.

پیامبر خدا(ص) می فرمود: ای علی! جنگ با تو جنگ با من است، و آشتی با تو آشتی با من، و جنگ با من جنگ با خداست و آن کس که با تو آشتی کند، با من آشتی کرده است، و آن کس که با من آشتی کند با

خداوند آشتی کرده است. (الامالی، صدوق، ص ۶۵۶ ح ۸۹۱) رسول الله (ص): یا علی حربک حربی و سلمک سلمی و حربی حرب الله و من سالمک فقد سالمنی و من سالمنی فقد سالم الله عزوجل -